

## قرآن پژوهی و نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

مصاحبه با سید محمد علی ایازی

در گفتگویی دوستانه و علمی با سید محمد علی ایازی، به بررسی نقش نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در تحول و تطور قرآن پژوهی معاصر در ایران پرداختیم. نامبرده دارای کتابها و مقالات متعدد و متنوع در زمینه علوم قرآنی و قرآن پژوهی است و در دو دهه اخیر به عنوان یکی از چهره‌های شاخص و متخصص در این عرصه در ایران و منطقه شناخته شده است.

➤ از دیدگاه آماری، تحول کمی وضعیت کتابهای قرآنی در نمایشگاه کتاب تهران چگونه بوده است؟

✓ پس از انقلاب اسلامی ایران، یعنی حدود دو دهه، شاهد تحول کمی و کیفی در زمینه مطالعات و پژوهشها و انتشارات قرآنی بوده‌ایم. مسابقات قرائت و حفظ قرآن، گسترش یافته و آموزش قرآن رواج قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. در این مدت، پایان‌نامه‌ها و کتابها و مقالات متنوع و متعددی عرضه شد. در عرصه تألیف و انتشار منابع و ربط آن به نمایشگاه در دهه اخیر، سخن فراوان است. تأثیر نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در قرآن پژوهی ایرانیان را باید مثبت ارزیابی کرد. این نمایشگاه با وارد کردن برخی منابع قرآنی، مواد مناسبی برای مترجمان آماده کرد. در واقع مدخل ورود بسیاری از کتابهایی که در این برهه ترجمه شد، همین نمایشگاه بود. دیگر آنکه نمایشگاه، کتاب، اطلاعات جدید و موضوعات نوی به جامعه قرآن پژوه سرانیر کرد که نهایتاً به رشد تحقیقات قرآنی منجر شد. به همین دلیل در نوشته‌های اخیر، شاهد ارجاعات متعددی به کتابهای منبع قرآنی که از طریق

نمایشگاه کتاب به کشور ما وارد شده‌اند، هستیم. البته یافتن ارتباط دقیق و جزئی و موردی بین نمایشگاه کتاب و قرآن پژوهی ایرانیان بسیار مشکل است. اما می‌توان داوری کلی را بدین گونه ارائه داد که این نمایشگاه تأثیری «مثبت» در این زمینه داشته است. برای نمونه وقتی به آمارهای کتابهای قرآنی در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ به ترتیب ۴۴۱ و ۴۶۱ و ۷۶۹ و ۸۳۳ عنوان قرآنی منتشر شده است. شمار مجلدات و تعداد عناوین جدید هم افزایش یافته است، مثلاً ۸۰ عنوان جدید به پژوهشهای قرآنی در فاصله سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ افزوده شده است. موضوعات قرآنی هم تحول یافته است. اگر در گذشته سرعنوان‌های قرآنی چیزهایی مانند ترجمه قرآن، تفسیر قرآن و علوم قرآن بود، امروزه با نمایه‌های جدیدی مانند سماتیک (معناشناسی) قرآن، هرمنوتیک و زبان قرآن مواجه هستیم.

در عرصه فرهنگ عمومی هم با تحولاتی روبرو بوده‌ایم؛ مثلاً شمارگان چاپ قرآن در یک سال به ۲۰۰۰۰۰۰ رسیده و ترجمه‌های متعدد و متناسب با ادبیات معاصر ارائه شده است.

➤ آیا آمار تفکیکی که نشانگر رشد شاخص‌ها در زمینه‌های مختلف باشد در اختیار داریم؟  
 ✓ به طور کلی توجه به آمار در ایران کم است، ما کمتر عادت به پژوهشهای آماری داریم، اما برآوردهای محدود موجود هم گویای نکات مفیدی است.

در عرصه تفسیر نگاری از ۲۰ عنوان در سال ۱۳۷۷ به ۲۱۶ عنوان رسیده‌ایم و در تاریخ قرآن از ۷ عنوان به ۱۰ عنوان ارتقا یافته‌ایم. اما مهم‌تر از آمارهای مربوط به شمار کتابها و دفعات چاپ آنها و گسترش عناوین و دیگر موارد کمی، رشد شاخص‌های کیفی است. در چند سال اخیر، کتابهای بسیار خوبی در قالب تحقیق، و پایان‌نامه عرضه شده است. به این سؤال که «آیا کیفیت قرآن پژوهی هم ارتقا یافته است؟» بدون دلیل نمی‌توان پاسخ گفت. در این گونه موارد، ارائه آمار مشکل است. به نظر من در این زمینه هم تحول مثبت بوده است. شاخص بنده، پایان‌نامه‌های دانشگاهی است. من اولین پایان‌نامه‌های قرآنی مربوط به سالهای ۴۰ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد را مطالعه کرده‌ام. می‌توان گفت ۹۸٪ از این پایان‌نامه‌ها قابل چاپ نیست، یعنی قابل ارائه به جامعه نبوده است. سطح علمی آنها بسیار پایین است. در تهران هم وضعیت بهتر از مشهد نیست، یعنی در همان زمان و با توجه به سطح علمی آن زمان هم قابل ارائه نبوده است. ولی امروز پایان‌نامه‌های متقن و با کیفیت بسیار بالا در رشته‌های علوم قرآنی، فراوان داریم. می‌توان گفت حد اقل ۲۰٪ پایان‌نامه‌های کنونی قابل چاپ است. این یک نمونه از رشد کیفی پژوهش در زمینه مسائل قرآنی است.

چاپ پایان‌نامه در واقع به معنای عرضه آن به جامعه علمی است و تا حدودی نشانگر مطلوبیت آن نوشتار است. آمار سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۰ نشانگر آن است که معدودی از

پایان نامه‌ها به چاپ و انتشار عمومی رسیده‌اند و بقیه در زوایای کتابخانه دانشکده‌ها و اتاق بایگانی پایان نامه‌ها محبوس مانده‌اند. اما در سالهای اخیر، چاپ پایان نامه رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. فقط در سال ۱۳۷۶، تعداد ۲۵ پایان نامه قرآنی به چاپ رسید. به عنوان نمونه می‌توان به استقبال خوانندگان از شماری از پایان نامه‌ها در یک سال اخیر اشاره کرد؛ مثلاً پایان نامه خانم شادی زیر عنوان *عقل گرایی در تفاسیر سده چهارم* با استقبال مواجه گردید.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم‌اکنون ضوابطی برای چاپ پایان نامه‌های قرآنی وضع کرده و تمهیداتی در این زمینه اندیشیده است. این وزارتخانه بیش از ۲۰ پایان نامه را مورد حمایت قرار داده و وسیله انتشار آن را فراهم ساخته است. البته ناشران خصوصی هم از این کار استقبال کرده‌اند و خود، پایان نامه‌هایی را به دست چاپ سپرده‌اند.

با اینکه برخی از پژوهشهای قرآنی - پایان نامه و غیر پایان نامه - در سطح پژوهشهای محققان عرب در دیگر کشورهاست، اما آمار نشان می‌دهد که تنها چاپ ۲۰٪ از پایان نامه‌ها، مطلوب است؛ یعنی هنوز ۸۰٪ از پایان نامه‌ها قابلیت چاپ را ندارند و این خود نشان دهنده کم‌کاری دانشگاهها در این زمینه است. بسیاری از پایان نامه‌ها فاقد سوژه‌ها و محورهای مطالعاتی ارزشمند برای پیگیری علمی است، یا از سطح تحقیقی لازم و نگارش مناسب برای ارائه برخوردار نیست. این امر بیانگر آن است که نکته‌ها و رهیافت‌های جدید و جهانی به جدیت مورد توجه قرار نگرفته است. پایان نامه، ثروت ملی است و هزینه‌های فراوان از دانشجو و استاد و دانشگاه می‌طلبد؛ از این رو باید به طرز بهینه و در سطح مطلوب ارائه گردد. برای مثال عربستان سعودی به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده است که اکثر پایان نامه‌های خروجی دانشگاهها، منتشر گردد. این کشور از استاد و شاگرد، حمایت مالی و معنوی می‌کند و موضوعات مفید و جذاب را در اختیار آنها قرار می‌دهد.

➤ در مجموع آیا جناب عالی تعامل نمایشگاه کتاب تهران و وضعیت علوم قرآنی در دانشگاهها را مثبت ارزیابی می‌کنید؟

نمایشگاه کتاب تهران در سالهای اخیر چند کارکرد در زمینه پژوهشهای قرآنی داشته است:  
اول: سوژه‌ها و موضوعات و زوایه دیدهای جدیدی را از متفکران و نویسندگان مسلمان دیگر کشورها به ایران منتقل کرده است؛

دوم: منابع مفیدی را در اختیار نهاده است؛

سوم: ارتباط و تماس پژوهشگران ایرانی با قرآن پژوهان خارج را هموار ساخته است؛

چهارم: محققان ایرانی را متوجه میراث ارزشمند قرآنی خود کرده است.

اینها کارکردهای نمایشگاه کتاب تهران در این زمینه بوده است. اما استادان علوم قرآنی، دانشجویان و مسئولان علمی دانشکده‌ها باید از این چهار کارکرد به خوبی بهره می‌بردند. به نظر می‌رسد از این زمینه‌ها به نحو تام و کامل استفاده نشده است. عدم بهره‌گیری کامل، معلول عواملی مانند روزآمد نبودن برخی از استادان و عدم ارتقای سطح علمی مطلوب این عده یا به تعبیری مشغولیت‌های فراوان آنها در کار تدریس است به گونه‌ای که کمتر به مطالعات جدید می‌پردازند. هیئت‌های علمی و مسئولان علمی و فرهنگی دانشگاهها هم کارآمدی لازم و مطلوب را از خود در این زمینه بروز نداده‌اند؛ دانشجویان هم به دلیل گستردگی و فرهنگی از خارج یعنی از جهان عرب و غرب به تفاهم و تعامل بهینه‌ای با کالاهای فرهنگی وارداتی نرسیده‌اند.

تمامی این نقیصه‌ها به تأخیر فرهنگی و انفصال علمی ایران از مؤسسات و نهادهای علمی و فرهنگی خارج باز می‌گردد. این وضعیت موجب شده است که در مجامع فرهنگی ایران، بحثهای کهنه و متروک، به دور از واقعیات و در فضاهای گذشته مطرح شود و خلأهای موجود پر نشود.

در این میان نباید از عوامل سیاسی غفلت کرد که می‌تواند فضای مناسب و تحرک لازم را برای آنکه افراد در پی نوآوری و ابتکار باشند، ایجاد کند. فضای فکری باید به دور از تهمت و جوسازی باشد زیرا در غیر این صورت، نتیجه آن خواهد بود که محققان به سمت موضوعات کم اهمیت و حد اکثر به تصحیح متون قدیم روی آورند. باید کمک کرد تا پژوهشگر شهامت طرح نظریه مبتکرانه‌ای را که سالها روی آن کار کرده است، بیابد. نباید دانشجو و استاد تنها به دنبال بحثهای بی درد سر باشند. در برخی کشورها موضوعاتی مورد تحقیق قرار می‌گیرد که حتی با حاکمیت هم خیلی تناسب ندارد. برخی اساتید غیر موافق در دانشگاههای عربی حضور دارند و کسی هم متعرض آنها نمی‌شود. به هر حال تساهل در این مورد، بستری برای رشد اندیشه‌ها و افکار است. برخی دانشجویان برای انتخاب موضوع پایان‌نامه خود مراجعه می‌کنند، ولی وقتی موضوعی به آنها ارائه می‌شود، پس از مدتی می‌آیند و می‌گویند مدیریت دانشکده یا استاد مربوط، این موضوع را درد سر ساز می‌دانند! این قبیل فشارها، ذهن افراد را دچار رکود می‌کند. باید کاری کرد تا ضمن معتنم شمردن حضور اندیشمندان موجود در دانشگاهها، دیگر صاحبان اندیشه بیش از پیش به این محیطهای علمی جذب شوند.

مسئله مهم دیگر در عدم رشد و بالندگی، نهادینه نشدن کار استادان است. استادان مسئولیت کلاس‌های فراوانی را تقبل می‌کنند و پایان‌نامه‌های فراوانی را می‌پذیرند، به طوری که فرصت مطالعه آنها را نمی‌یابند؛ به دانشجو رسیدگی کافی نمی‌کنند و وقت کافی برای رساله نمی‌گذارند، چه رسد به حضور در نمایشگاه و تماس با ناشران و متفکران خارجی و ارتقای آگاهی.

➤ همان گونه که استحضار دارید، کتاب از یک نگاه انواع مختلفی دارد. همین طور کتابهای قرآنی گونه‌های مختلف دارد. به نظر شما آمارهای مربوط به نمایشگاه نشان دهنده چه چیزی است؟ آیا آمار مربوط به یک نوع یا چند نوع بیشتر است؟

✓ طبقه‌بندی کتابهای قرآنی به کتابهای مرجع، تحلیلی، ترجمه، نشریات و میراث درست است، ولی آمارهای منتشر شده در این زمینه گویا نیست. کتابهایی مانند *التفسیر و المفسرون* ذهبی یا *المفسرون حیاتهم و منهجهم* تألیف ابن‌جانب یا *دانشنامه قرآن* اثر آقای بهاء الدین خرمشاهی، مرجع است؛ یعنی در قالب دائرة المعارف نگاری می‌گنجد. کتابهایی نظیر *معجم‌ها*، *کشاف‌ها* و *فهرست‌های قرآن* که در طبقه کتابهای مرجع است، از طریق نمایشگاه عرضه می‌شود و می‌توان گفت که نویسندگان ایران هم در این زمینه‌ها ارتقا یافته و آثار تألیفی ارائه کرده‌اند. مثلاً *واژه‌نامه‌ها* و *اصطلاحنامه‌های متعددی* که بعضاً به سبک *مفردات* راغب اصفهانی است، در این سالهای اخیر عرضه شده است. آمار مربوط به آثار مرجع قرآنی نسبت به آثار دیگر کم است. تصحیح و بازسازی کتابهای کهن در برخی کشورها زودتر از ایران آغاز شد و در نمایشگاه هم این گونه کارها از محققان ایرانی ارائه می‌گردد. آمار تولید کتاب ایران رو به افزایش است. اینکه در سالهای اخیر ترجمه‌های متعدد به بازار عرضه شده است، گویای رشد دانش ترجمه در این زمینه است. ناگفته نماند که در مورد نشریات تخصصی قرآن، کارنامه گلستان قرآن، ضعیف است. البته نمایشگاه کلاً در مورد نشریات و مجلات مربوط به زمینه قرآن در کشورهای عربی و جهان اسلام، حرکت جدی نداشته است.

اما از نگاه دیگر، کتابهای قرآنی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. آثاری که دارای گرایش به موضوعات تاریخ قرآن، تاریخ تفسیر و علوم قرآن بوده‌اند، رشدی حدود سی درصد داشته‌اند. در زمینه منتخب تفاسیر و تفسیر موضوعی، رشد کمتری داریم که حدود ۱۵٪ است. اما بیشترین آمار مربوط به کتابهای معارف قرآن، شامل موضوعاتی است که به گونه‌ای کاوش در مباحث درون متنی قرآن نظیر انسان‌شناسی از دیدگاه قرآن، اقتصاد و اخلاق اجتماعی از نگاه قرآن بوده است. آمارهای موجود در این زمینه، رشد ۵۰٪ را نشان می‌دهد.

همه این آمارها مربوط به تألیفات داخل کشور است. به هر حال به موازات ارتقای سطح تألیف و نشر کتابهای قرآنی در جهان اسلام، ایران هم رشد داشته است. در این میان نقش و تأثیر نمایشگاه‌های بین المللی کم نیست.

➤ آیا تنوع در چاپ خود قرآن در ایران را متأثر از نمایشگاه می‌دانید؟

✓ در جهان عرب ناشرانی کارشان فقط چاپ انواع و اقسام قرآن است. آنها از قرآن‌های ذره‌بینی گرفته تا قرآن‌های بزرگ و با شکلهای بسیار متنوع عرضه می‌کنند. برخی از این ناشران در نمایشگاه کتاب تهران هم شرکت دارند. در ایران ناشرانی ویژه قرآن داشته و داریم ولی

تولیدات آنان قبلاً تنوع در سطح ناشران خارجی را نداشت اما می‌توان گفت که رو به پیشرفت هستند. مهم‌تر از آن، صدور قرآن‌های چاپ ایران به خارج است که لاجرم باید در قالب نمایشگاه انجام پذیرد. این عمل دو اثر دارد. یکی آنکه از کارهای هنری و گرافیکی هنرمندان ایرانی در زمینه چاپ استفاده و تجلیل می‌شود. اثر دیگرش روشن ساختن این مطلب است که علی‌رغم تبلیغات عده‌ای مبنی بر اینکه قرآن شیعیان با قرآن سایر مسلمانان تفاوت دارد، چنین نیست و قرآن در میان همه مسلمانان یک جور است.

➤ شما چه موانعی را بر سر راه ورود ناشران قرآنی ایران به بازارهای جهانی می‌بینید؟  
 ✓ یک مشکل مربوط به محدودیت زبان فارسی و گستره خوانندگان فارسی در جهان است. مشکل اینجاست که کتابهای قرآنی فارسی، مورد استفاده حدود ۲۵ کشور عربی قرار نمی‌گیرد. اما ناشران عرب در ۲۵ کشور میدان و بازار خرید و فروش دارند. همین عدم صدور اکثر کتابهای ایرانیان به بازارهای جهانی، قهراً کمتر مورد نقد و تحلیل دیگران هم واقع می‌شود. این عدم صدور، موجب عدم سوددهی اقتصادی یا کاهش آن می‌گردد و این مسئله، کاهش رونق علمی را در پی دارد.

معمولاً در کشورهایی نظیر ایران باید یک ایستگاه واسطه ایجاد کرد. در این ایستگاه می‌توان آثار مورد نظر را ترجمه کرد یا اطلاع‌رسانی لازم را در مورد آنها انجام داد. مثلاً می‌توان به متقاضیان گفت که این اثر مربوط به چه موضوعاتی است و اگر مؤسسه یا پژوهشگری بخشی از آن را درخواست کرد، برایش ترجمه و ارسال نمود. متأسفانه ترجمه و اطلاع‌رسانی در ایران یک سویه بوده است. ما معمولاً فقط به ترجمه آثار دیگران پرداخته‌ایم و کمتر آثار خود را ترجمه و به جهان عرضه کرده‌ایم. همین طور در زمینه اطلاع‌رسانی، دیگران از ما کمتر خبر دارند، ولی اطلاعات ما از دیگران نه چندان مطلوب ولی مفید است. مدیران نمایشگاه کتاب تهران باید در این زمینه تدبیری جدی بیندیشند.

➤ آیا کتابهای خود شما تا کنون به خارج از ایران رفته است؟  
 ✓ کتاب *المفسرون حیاتهم و منهجهم* در ایران به چاپ رسیده و در برخی کشورهای عربی توزیع شده است. البته چون این کتاب توسط سازمان انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران نشر یافته و این ناشر برنامه‌ریزی جدی برای توزیع کتاب در خارج ندارد، از این رو بازاریابی آن خیلی موفق نبوده است. قصد دارم جلد اول و دوم این کتاب را در خارج هم منتشر کنم. پژوهشگران لبنان و سوریه برخی آثار بنده مانند کتاب *قرآن و تفسیر عصری* را مفید تشخیص داده‌اند و مقدمات انتشار آن فراهم شده است و در صدد ارسال به آن کشورها

هستم. به هر حال الان در ایران صدور کتاب، تکانی خورده است ولی نیاز به برنامه‌ریزی اصولی دارد.

➤ کشورهای نغیر عربستان معمولاً یک و چند قرآن را مبنا قرار داده‌اند. یعنی متناسب با ادبیات عمومی مردم نوعی از خط و تلفظ را ترویج می‌کنند. در ایران قرآن‌های مختلف با انواع خط و کتابت در اختیار مردم قرار گرفته است. نمایشگاه کتاب هم به نوعی قرآن‌های دیگر کشورها را وارد می‌کند. آیا ضرورت ندارد یک سبک قرآن تأیید گردد و در اختیار مردم قرار گیرد؟ آیا شما تنوع را می‌پسندید؟

✓ سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان اوقاف و امور خیریه متصدی برنامه‌ریزی برای نظارت بر چاپ قرآن مبنا هستند؛ قرآنی که از نظر خط و نگارش الگو باشد. گویا هنوز این دو سازمان سیاستگذاری جامع و کارآمدی در این زمینه نداشته‌اند. چون هنوز قرآن‌های آنها به کیفیت قرآن‌های دیگر کشورهای عربی نرسیده است، از سوی دیگر خط مورد نظر این سازمانها خط عثمان طه است و در واقع تقلیدی از قرآن‌های چاپ خارج است. یعنی حرکت جدی برای برنامه‌ریزی مستقل در مورد نوع نگارش و خط قرآن در کار نبوده است. هنوز مسئله مطابقت بین ملفوظ و مکتوب برای قاریان قرآن در ایران حل نشده است. مثلاً «بیتات»، «بیتت» نوشته می‌شود ولی «بیتات» خوانده می‌شود.

البته تطابق ملفوظ و مکتوب در بین ادیبان عرب هم مورد گفتگو قرار دارد و آراء دز این زمینه مختلف است. مهم آن است که در نمایشگاههای قرآنی و حتی در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، نشست‌ها و همایشهای جدی علمی برگزار نمی‌شود تا از تجربیات دیگران در این زمینه استفاده گردد. شهادت تغییر خط که توقیفی هم نیست از سوی دستگاههای ذی‌ربط وجود ندارد.

➤ برای بررسی عینی‌تر تأثیرات نمایشگاه کتاب تهران، آیا اجازه می‌دهید به کتابهای خود شما برگردیم؟ هر کس کتاب *المفسرون* شما را ببیند، بی اختیار *یاد التفسیر و المفسرون* ذهبی می‌افتد و از رابطه این دو اثر سؤال می‌کند؟

✓ بله، من وقتی کتاب ذهبی را دیدم، به فکر تدوین کتابی که کامل‌تر از کتاب ذهبی باشد اقدام و در صدد تألیف کتاب *المفسرون حیاتهم و منهجهم* برآمدم. یعنی آن اثر، این سوره و انگیزه را در من ایجاد کرد. کار جدیدی که در این کتاب ارائه کرده‌ام آن است که ذهبی فقط پنج تفسیر شیعی را معرفی کرده و گزینش‌های آن هم چندان مقبول نیست. او تفاسیری را برگزیده که حتی شیعیان هم روی آنها نقد و سخن دارند. مثلاً وی تفسیر شیخ طوسی را معرفی نکرده است و تفسیر *مرآة الانوار* کازرونی، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری و بیان *السعادة* گنابادی را توصیف کرده است. همچنین تفسیر *بیان الائمة* علوی را معرفی کرده که

در آن مشکلات و نقدهای جدی مطرح است. من حدود چهل تفسیر شیعه را معرفی کردم. دوم آنکه توصیف‌ها و معرفی‌های من بدون ارزشگذاری و پیشداوری بوده است. همه کتابهای تفسیری شیعه و سنی را به ترتیب الفبا معرفی کرده‌ام. بنا بر این من این کتاب را با انگیزه تکمیل و اصلاح کتاب محمد حسین ذهبی نوشتم. محققانی دیگر مثل من با تهیه منابع مورد نیازشان در نمایشگاه کتاب، چنین سوژه‌هایی را یافته‌اند.

➤ نمونه دیگر، کتاب جناب‌عالی با عنوان *قرآن و تفسیر عصری* است. خانم بنت الشاطی کتابی زیر عنوان *القرآن و التفسیر العصری* دارد و محمد احمد خلف الله کتابی با عنوان *القرآن و المشكلات الحیة المعاصرة* و مصطفی محمود کتابی به اسم *القرآن محاولة لفهم عصری* دارند. آیا شما از این منابع اقتباس کرده‌اید؟

✓ این پژوهش در صدد بررسی فرآیند رشد و تطور تفسیر عصری است. همچنین به رویکردها و انواع آموزه‌های آن پرداخته است. به عبارت دیگر من با یک نگاه بیرونی، تفسیرهایی را که دغدغه هماهنگی و انطباق‌پذیری با عصر خود را داشته‌اند تحلیل کرده‌ام. البته به برخی از عوامل و زمینه‌هایی که در پیدایش نوعی از تفسیر عصری مؤثر بوده است هم پرداخته‌ام. اینکه در این چهارده قرن در اندیشه‌های مفسران چه تحولاتی رخ داده و چه فراز و نشیب‌هایی داشته‌اند و بر اساس این تحولات، مفسران در هر دوره مسائلی را مطرح کرده‌اند را مورد بررسی قرار داده‌ام. مثلاً در دهه‌های ۴۰ تا ۷۰ میلادی به دلیل رشد علمی و گسترش اکتشافات و اختراعات در جهان، و از سویی عقب افتادگی جهان اسلام از این کاروان، و وجود زمینه‌های مربوط به انطباق‌تئوری‌ها و نظریه‌های آن دوره، تفسیر علمی رشد و رونق داشت. اما در دوره ما آن شرایط افول کرده و منقضی شده و شرایط اجتماعی خواهان تفسیرهای تربیتی و اخلاقی و معنوی است. یعنی بیش از هر چیز از قرآن، «هدایت» مطالبه می‌شود. آنچه من در این کتاب در مقام عرضه آن بوده‌ام - برخلاف نظر بنت الشاطی - تأثیر تحولات علمی و اجتماعی در گرایش به تفسیر بوده است، نه اینکه تفسیر عصری منحصر به تفسیر علمی باشد. هدف من بیان نقش اندیشه‌ها و گرایشهای مفسر در این تأثیر و مشخص کردن معیارها برای صحت و سقم این نوع تفسیرها بوده است. پس این تحولات در تفسیر اثر گذاشته و در هر دوره از تفسیر عصری، گرایش مناسب با زمان خود پدید آمده است.

➤ شما به عنوان پژوهشگر مسائل قرآنی، با مطالعه آثار جدید قرآنی به این رهیافت‌های نو رسیدید. آیا دیگران مثلاً اساتید و دانشجویان در دانشگاه‌ها و نیز حوزویان از زمینه‌های موجود در نمایشگاه تهران استفاده کامل را می‌برند؟

✓ همه ساله، همه دانشکده‌ها و حوزه‌های علمیه خریدهای قبل توجهی از نمایشگاه کتاب تهران دارند. در قم چند کتابخانه تخصصی در زمینه قرآن و علوم قرآن وجود دارد، که اکثر منابعشان



را از نمایشگاه‌های کتاب تهیه کرده‌اند. بنا بر این مشکل عدم وجود منابع نیست؛ مشکل را باید در جاهای دیگر جستجو کرد.

به نظر من یک مشکل، گسست زبانی بین تألیفات جهان عرب و پژوهشگران ایرانی است. ادبیات عرب در دانشگاه و پیش از آن در دبیرستان‌ها به خوبی تدریس نمی‌شود. دانشجویان ما بیش از آنکه با زبانهای لاتین مشکل داشته باشند، با زبان عربی مشکل دارند. بویژه باید اشاره کرد که ادبیات جدید عرب دارای ساختار و واژگانی است که در ایران چندان آشنایی و احاطه‌ای بر آن وجود ندارد. حوزویان هم غالباً فقط ادبیات قدیم عرب را می‌دانند و نسبت به ادبیات جدید عرب بیگانه‌اند؛ از این رو مفاهمه‌ای با منابع قرآنی جدید ندارند. یک موقعی می‌خواستم تفسیر من وحی القرآن را برای کاری موضوع‌بندی و نمایه‌گذاری کنم. بسیاری از طلبه‌ها زیر بار نمی‌رفتند چون در فهم متن آن مشکل داشتند. مشکل دیگر، عدم اطلاع‌رسانی جامع و بهنگام است. مجلات تخصصی قرآن مانند بینات تا حدی وظیفه اطلاع‌رسانی را انجام می‌دهند ولی این قدر کافی نیست. همه ساله حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ عنوان قرآنی در نمایشگاه عرضه می‌شود. اگر مجلات به اطلاع‌رسانی و توصیف مطالب آنها و حتی نقادی آنها بپردازند، زمینه مناسبی برای بالندگی پژوهشها ایجاد خواهد شد.

این تذکر لازم است که اطلاع‌رسانی معمولاً با تأخیر انجام می‌شود و بهنگام نیست. یعنی کتابها پس از عرضه در نمایشگاه به دست متصدیان اطلاع‌رسانی و مسئولان نشریات می‌رسد. بهتر آن است که پیش از عرضه، اطلاع‌رسانی صورت گیرد تا پژوهشگران به امر خرید، رغبت پیدا کنند و با تدبیر و شناخت کافی، کتابهای مورد نظر خود را خریداری کنند. مدیریت نمایشگاه باید در عرضه اطلاع‌رسانی علمی بیشتر فعالیت کند و هر سال به ابتکار تازه و استفاده از روشهای پیشرفته اطلاع‌رسانی روی آورد.

➤ در ایران، چه نهادی متصدی اطلاع‌رسانی و راهنمایی در عرصه کتاب است؟

✓ در زمینه آثار قرآنی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بخشی را به نام نمایشگاه تخصصی قرآن دارد که سالانه در ماه رمضان به برگزاری نمایشگاه قرآن می‌پردازند. مدیران این بخش می‌توانند برنامه‌های جامع و مفیدی در زمینه آثار قرآنی ایرانی و خارجی داشته باشند؛ آمارهای متعدد در زمینه‌های گوناگون ارائه نمایند؛ حتی می‌توانند پژوهشهای میدانی در این زمینه داشته باشند و با جهت‌دهی سازنده، دیگر بخشها و نهادها را سازماندهی کنند؛ از ناشران غیر ایرانی بخواهند که کتابهای قرآنی خود را در این نمایشگاه عرضه کنند و به گردآوری کتابهای قرآنی ناشران عرب به صورت تخصصی بپردازند.

➤ تحلیل شما در زمینه نقد چیست؟ نمایشگاه کتاب تا چه اندازه به نقادی دیدگاههای دیگران کمک کرده است؟

✓ عرضه کتابهای گوناگون و غیر موافق، زمینه جلب توجه و نقد را فراهم می‌کند. کتابهایی که مستشرقین ارائه کرده‌اند یا اطلاعاتی از آنها که لا به لای آثار نویسندگان عرب آمده بود، بستر مناسبی شد تا به نقد آراء آنها بپردازند. وقتی *التفسیر و المفسرون* ذهبی آمد و بخشی از آن نقادی تفاسیر شیعه بود، عده‌ای و از آن جمله آیت الله محمد هادی معرفت را وا داشت تا دست به کار شود و کتاب *التفسیر و المفسرون* را تدوین کند. حتی چند پایان‌نامه در نقد ذهبی نوشته شد. با آمدن آثار علی سالوس، الوفاری و احسان الله ظهیر که با دیدگاههای تشیع معارضه داشت، نویسندگان مختلف به نقادی آنها پرداختند. نمی‌دانیم این نقدها به خارج هم ارسال می‌شود یا نه و اگر می‌شود تا چه اندازه مؤثر است. به هر حال این وظیفه نمایشگاه است که تبادل دو سویه فرهنگی را فراهم سازد و از عرضه کتابهای مخالف ایابی نداشته باشد، چون تنها راه نقد و برخورد علمی، عرضه کتابهای مخالف و آگاهی از این کتابها است.

➤ چه راهکاری را برای صدور کتابهای قرآن پژوهی به خارج از کشور پیشنهاد می‌کنید؟  
✓ راه ارتباطی ایران و خارج در زمینه مسائل فرهنگی عمدتاً سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. این سازمان باید فعالانه در این زمینه برنامه‌ریزی کند. مثلاً مجلات مختلفی که به زبانهای گوناگون از سوی این سازمان منتشر می‌شود، ابزار مناسبی برای اطلاع‌رسانی مطلوب است. متأسفانه سازمان فرهنگ و ارتباطات هم اغلب به صورت یک سویه به واردات می‌پردازد. از سوی دیگر عده‌ای از متصدیان آن، کارشناس فرهنگی نیستند تا مبدأ (فرهنگ ایرانی) و مقصد را به خوبی بشناسند و فارغ از دغدغه‌های سیاسی و با سعه صدر و وسعت نظر به اطلاع‌رسانی بپردازند.

معرفی کارهای قرآنی ایران در کشورهای عربی تأثیرات بسیار مطلوبی خواهد داشت. روزی نزد آقای گفتارو مفتی سوریه بودم؛ ایشان می‌گفت: جو مسمومی در مورد شیعه و اینکه شیعه معتقد به تحریف قرآن است و قرآن شیعیان با قرآن دیگران فرق دارد، ساخته‌اند ولی من یک قرآن چاپ ایران دارم و هر کس می‌گوید دیدگاه شیعه، تحریف قرآن است، این قرآن را به او نشان می‌دهم و می‌گویم ببین! تفاوتی بین قرآن آنها و قرآن ما نیست.

➤ هم‌اکنون کمتر کشوری به اندازه ایران، نشریه تخصصی در زمینه قرآن دارد. حد اقل چهار نشریه ویژه پژوهشهای قرآنی در ایران به شکل وزین و علمی منتشر می‌شود. آیا نشریات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تا کنون به معرفی این نشریات در خارج از ایران پرداخته‌اند؟

✓ با اینکه قرآن پژوهان فراوان و مجلات مختلفی در ایران داریم، ولی تلقی برخی متفکران خارج این است که در ایران پژوهشگر علوم قرآنی نیست. چرا مثلاً مجله التوحید سازمان تبلیغات یا مجلاتی که از سوی ارگان‌های دیگر به فرانسه و انگلیسی و سایر زبانها منتشر می‌شود، به معرفی متفکران و صاحب‌نظران و قرآن پژوهان ایران اقدام نمی‌کنند، یا مجلاتی که به عربی و برای کشورهای عربی منتشر می‌شود، اینها را معرفی نمی‌کنند؟ واضح است که برای انجام این کار، باید نخست این دغدغه در مسئولان این نهادها وجود داشته باشد. بنا بر این ابراز هر نوع نظریه در مورد صدور کارهای فرهنگی ایران، منوط به کارشناسی در سه زمینه است:

وضعیت علمی نویسندگان ایرانی، کارشناسی تولیدات ایرانی و سرانجام ترجمه و اطلاع‌رسانی. به نظر می‌رسد در مورد کیفیت پژوهشگری، ایرانیان علی‌رغم ضعفهایی که هنوز دارند و دغدغه برون مرزی و فراملی آنان کمتر است، به آستانه استانداردها و ضوابط جهانی رسیده‌اند و نوشته‌های آنها قابل عرضه در جهان است. مسئله دوم این است که خبرگان و متخصصانی باید به ارزیابی این تولیدات بپردازند. این کارشناسان باید موارد واجد علمیت و دارای ائتقان لازم را گزینش کنند. در مرحله سوم، نهادهایی مانند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی باید اقدام به ترجمه و اطلاع‌رسانی مطلوب در مورد بخشهایی از تولیدات فرهنگی کنند و صدور آنها را تمهید نمایند.

از دیگر سو، مسئولان نمایشگاه کتاب هم باید به برنامه‌ریزی برای صدور کتابهای مهم فارسی اهتمام ورزند و سه فرآیند یاد شده را با استخدام کارشناس ورزیده سامان بخشند.

➤ آمار مقالات قرآنی چگونه است و چه شاخص‌هایی دارد؟

✓ از پیش از انقلاب اسلامی آمار دقیقی نداریم ولی آمارهای پس از انقلاب نشانگر رشد بالای ۵۰٪ در هر سال است. در سال ۱۳۵۸ مثلاً ۱۳ مقاله علمی قرآنی داشته‌ایم ولی در ۱۳۵۹، تعداد آن به ۲۹ عنوان می‌رسد. این آمار در سال ۱۳۶۱ به ۱۸۰ مقاله و در ۱۳۷۶ به ۴۱۰ مقاله قرآنی رسیده است.

➤ تلقی برخی این است که ورود آن دسته از نوشته‌های نویسندگان عرب که با آموزه‌های عام ما سازگاری ندارد، جو را مسموم می‌کند. در واقع این دیدگاه تلویحا قرآن پژوهان ایران را ضعیف‌تر از پژوهشگران خارج می‌بیند، به طوری که گویا آثار آنان را نمی‌توانند نقادی کنند و تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرند. شاید علت عدم اجازه ورود برخی منابع به نمایشگاه کتاب تهران، این نگرش باشد. نظر شما چیست؟

✓ به نظر من قرآن پژوهان و مفسران ایرانی ضعیف تر نیستند و دلیل این داوری، آثاری است که در این مدت در ایران عرضه شده است. نکته اینجاست که در این مسائل، عده‌ای بدون تخصص و تبحر، قیم مآبانه تصمیم‌گیری می‌کنند. در دنیای جدید، ارتباطات گسترش فوق العاده یافته و به هر حال آثار چاپ خارج به ایران می‌رسد. اما اگر این آثار از طریق نمایشگاه کتاب بیاید، پیامدهای مطلوب‌تری دارد چون در معرض مطالعه افراد بیشتری قرار می‌گیرد و بررسی و نقادی مناسب‌تری روی آنها انجام می‌پذیرد. از سوی دیگر قرآن پژوهان ما که خود کارشناس هستند، قدرت تشخیص خوب و بد را دارند و نیازی به ممیزی و اعمال تشخیص دیگران نیست. تنها نتیجه این عمل، محروم کردن عده‌ای از محققان و نویسندگان از تحولات و آثار بیرونی است.

➤ چنانکه می‌دانید در عرصه مسائل و مباحث قرآنی هم گرایشها و دیدگاههای مختلف وجود دارد. برخی از این دیدگاهها ناشی از بنیانهای فرقه‌ای است و برخی به اوضاع و شرایط عصری باز می‌گردد. به نظر جناب عالی آیا نمایشگاه بین المللی کتاب تهران می‌تواند در زمینه تقریب دیدگاهها و نزدیک سازی رویکردها مؤثر باشد؟

✓ چون نمایشگاه حالتی دارد که می‌باید اکثر یا همه آثار را یکجا عرضه کند، خود به خود در اذهان مشتریان و بازدید کنندگان نوعی تعددگرایی و عادت به چند گونه نگری پدید می‌آید. فرض کنید در یک غرفه، از آثار نصر حامد ابوزید گرفته تا آثاری مانند *المفردات* راغب اصفهانی و آثاری از مکتب خولی مانند *الفن القصصی فی القرآن* از محمد احمد خلف الله و تفسیرهای سنی و شیعی در اختیار قرار می‌گیرد. بازتاب طبیعی این وضعیت، القای این مطلب است که همه مذاهب و فرقه‌ها و گرایشها به قرآن پرداخته‌اند. بنا بر این پذیرش نوعی کثرت‌گرایی و قبول نوعی همزیستی مسالمت آمیز و دست کشیدن از خصوصتهای بیجا که مقدمه تقریب فکری است، به طور طبیعی اتفاق می‌افتد.

البته در اینجا تذکر چند نکته ضرورت دارد. تقریب، فرآیندی است که باید در همه کشورها عملی گردد. اگر فقط نمایشگاه بین المللی کتاب ایران، کتابهای آنها را اجازه ورود دهد و کتابهای ایرانی در نمایشگاههای خارج از کشور مثلاً در عربستان عرضه نشود فرآیند تقریب تکمیل نمی‌شود و نزدیک سازی به طور یک طرفه صورت می‌گیرد. یعنی باید پروتکل‌های همکاری بین مسئولان نمایشگاه کتاب تهران و نمایشگاههای جهان عرب برقرار شود تا این موازنه و معادله کامل گردد. بله، اگر این موازنه دو طرفه نشود، فرهنگ یک طرفه تسلط می‌یابد.

کار دیگری که نمایشگاه کتاب می‌تواند انجام دهد، دعوت از متفکران و نویسندگان اسلامی برای حضور در نمایشگاه است. این حرکت می‌تواند به نزدیک ساختن اندیشه‌ها کمک کند.

از سوی دیگر رایزنی و اعمال تدابیر و طرحهای مختلف دیپلماتیک برای صدور کالاهای فرهنگی ایران، سالها دچار رکود بود ولی در چند سال اخیر می‌توان گفت که کارهایی در دست انجام بوده است. البته این حرکت باید به طور جدی دنبال شود.

➤ شما گمان نمی‌کنید که صرف عرضه کتاب، فرآیند تقریب را تکمیل نمی‌کند و نیاز به کارهای جنبی دیگر هم هست؟

✓ بله، در تمامی عرصه‌های فرهنگی، هر کالای فرهنگی نیاز به پردازش دارد... برای نمونه کتابهای قرآنی، کالاهای صامتی هستند که نیاز به سخنگو دارند تا آنها را با بلیان متجلی سازد. این کار در نمایشگاهها معمولا با برنامه‌های جنبی، یعنی برگزاری همایشها و میزگردها انجام می‌یابد. در نمایشگاه کتاب بیروت - در میان نمایشگاه و اطراف آن - نشستهای متعدد به شکل قهوه‌خانه‌ای تشکیل می‌شد که به اطلاع‌رسانی در مورد کتابها و نقد آنها می‌پرداخت. در نمایشگاه باید مسئولان نمایشگاه یا اوقاف با کارشناسان ورزیده در جلسات علمی و در عین حال جذاب، به کتابهای قرآنی بپردازند.

به نظر می‌رسد نمایشگاه کتاب تهران باید برای دو سطح عمومی و تخصصی، برنامه‌ریزی کند؛ یعنی برنامه‌های ویژه برای متخصصان هر رشته از جمله علوم قرآنی داشته باشد. حتی می‌توان در خود نمایشگاه بزرگ کتاب تهران، نمایشگاههای تخصصی کوچکتری برگزار کرد و از صاحب‌نظران هر رشته دعوت به عمل آورد.

➤ پیامدهای مثبت یا منفی ممنوع کردن برخی کتابهای قرآنی چیست؟ برخی به پیامدهای منفی این ممیزی اشاره دارند و آن را موجب گسست فرهنگی پژوهشگران ایرانی از جهان اسلام می‌دانند.

✓ من در زمینه این ممیزی، اطلاع درستی ندارم. اگر چنین چیزی صحت داشته باشد، چه در زمینه مسائل قرآنی باشد و چه در مسائل غیر قرآنی، نه تنها حرکت مفیدی نیست بلکه مضر هم هست. ما باید به سمت گسترش اطلاع‌رسانی و ارتقای سطح علمی جامعه برویم و در این زمینه از اندیشه مخالف هراس نداشته باشیم. این اندیشه مخالف است که موجب تضارب آراء می‌شود. اندیشه مخالف است که موجب تحریک ذهن‌های نقاد می‌گردد. از سویی افکار ناصحیح ما پالایش می‌شود و از سویی اندیشه‌های دیگر مورد نقد قرار می‌گیرد.

در جهان اسلام، کشورهایی مانند مالزی و اندونزی یا لبنان و امارات به آخرین فن‌آوری‌های اطلاع‌رسانی مجهز هستند. کانال‌های مختلف تلویزیونی و رادیویی در اختیار دارند و اخبار فرهنگی را به همه جا و به سرعت مخابره می‌کنند.

از سوی دیگر، تضارب آراء می‌تواند رشد و بالندگی ایجاد کند و حتی به برتری فرهنگی بینجامد. انزوای فرهنگی همچون انزوای سیاسی موجب رکود و عقبگرد خواهد شد.

➤ از فرصتی که در اختیار فصلنامه گذاشتید، سپاسگزاریم. امیدواریم در فرصتهای آتی از دیگر نظرات جناب عالی استفاده کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی